

نقش سواد عاطفی در پیش‌بینی طلاق عاطفی با میانجیگری حل تعارض

سیده فاطمه هاشمی^۱، محمدجواد اصغری ابراهیم آباد^۲

چکیده

طلاق عاطفی مهم‌ترین عامل از هم گسیختگی ساختار بنیادی‌ترین بخش جامعه، یعنی خانواده است. این پژوهش با هدف تبیین نقش پیش‌بینی‌کنندگی سواد عاطفی با واسطه‌گری حل تعارض در طلاق عاطفی انجام شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. این مطالعه در سال ۹۴-۱۳۹۳ بر روی ۱۷۸ نفر از زنان و مردان متأهل شهر مشهد انجام شد که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ی کارکردهای روان‌شناختی خانواده ایرانی کیمیایی (IFPFS، ۱۳۹۰) و طلاق عاطفی گاتمن (۱۹۹۹) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون به شیوه‌ی همزمان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج بیانگر آن است که سواد عاطفی و حل تعارض پیش‌بینی‌کننده‌ی طلاق عاطفی هستند. سواد عاطفی نیز حل تعارض را پیش‌بینی می‌کند. متغیر حل تعارض در رابطه‌ی بین سواد عاطفی و طلاق عاطفی نقش واسطه‌ای دارد. بنابراین می‌توان گفت که زوجین در اثر ضعف سواد عاطفی و ناتوانی در حل تعارض، طلاق عاطفی را تجربه می‌کنند. بنابراین بررسی میزان سواد عاطفی زوجین و همچنین شناسایی سبک‌های حل تعارض زوجین درک بهتری از سبب‌شناسی پدیده‌ی طلاق عاطفی در زوجین فراهم می‌آورد.

واژه‌های کلیدی: سواد عاطفی، حل تعارض، طلاق عاطفی

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده. گروه روانشناسی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه فردوسی

مشهد. ایران F_f_hashemi@yahoo.com

^۲ استادیار. گروه روانشناسی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه فردوسی مشهد. ایران

* نویسنده مسئول مقاله mjasghari@um.ac.ir

مقدمه

خانواده به لحاظ قدمت، ابتدایی‌ترین و از لحاظ گستردگی، جهان‌شمول‌ترین نهاد اجتماعی است (خدایاری فرد، شهبابی، اکبری و زردخانه، ۱۳۸۶). روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد، خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است (اعزاز، ۱۳۸۷). خانواده یک واحد اجتماعی است که بر پایه‌ی روابط انسانی شکل گرفته و بر اساس آن مرد و زن آزادانه و به‌صورت کامل خود را به یکدیگر می‌سپارند و از این طریق تشکل فعالی که خانواده نامیده می‌شود، می‌سازند (آسوده^۱، ۲۰۱۱).

خانواده به عنوان اولین نهاد جامعه‌پذیری و کهن‌ترین هسته‌ی طبیعی، در همه‌ی جوامع انسانی از ابتدای تاریخ وجود داشته و بشر تاکنون نتوانسته است جایگزینی برای آن بیابد. این موضوع حضور همیشگی این نهاد اجتماعی و ضرورت وجودی آن را نشان می‌دهد. ازدواج مبنای شکل‌گیری خانواده و قطب مقابل آن طلاق است که سبب اضمحلال آن می‌شود. طلاق فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی را در پی داشته و برای زنان نسبت به مردان اثرات منفی بیشتری دارد (موسای و همکاران^۲، ۲۰۱۱).

مطالعات نشان می‌دهد که در قرن نوزدهم تنها حدود ۵ درصد از ازدواج‌ها به طلاق ختم می‌شد ولی در قرن بیستم و امروز حدود نیمی از ازدواج‌ها منجر به طلاق می‌شود (آماتو^۳، ۲۰۰۰).

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی طلاق است، اما آمار رسمی طلاق به‌طور کامل نشان‌دهنده‌ی میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آمار بزرگ‌تر به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد، یعنی به زندگی‌های خاموش و خانواده‌های توخالی که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می‌کنند ولی تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند (بخارایی، ۱۳۸۶)، در واقع برخی ازدواج‌ها که با طلاق پایان نمی‌یابند، به ازدواج‌های توخالی تبدیل می‌شوند که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی هستند و همسران فقط با جریان زندگی خانوادگی به‌پیش می‌روند و زمان را سپری می‌کنند (استیل^۴ و کید^۵، ۱۳۸۸).

^۱ - Asoode
^۲ - Musai
^۳ - Amato
^۴ - Steel
^۵ - Kidd

طلاق عاطفی، فاصله عاطفی مشخص و آشکار میان همسرانی است که هر دو ناپخته هستند، هر چند یکی از آن‌ها ممکن است این ناپختگی را تایید کند و دیگری با ابراز اعمال مسئولانه مفرط، چنین چیزی را انکار کند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۷).

طلاق عاطفی نوع دیگری از طلاق و پدیده‌ی بسیار مهمی است که در هیچ کجا به ثبت نمی‌رسد. این نوع طلاق مربوط به خانواده‌هایی است که به دلایلی مانند سنت‌های حاکم بر خانواده یا باورهای نادرست و نگرش‌های منفی جامعه به زنان مطلقه، ترس و نگرانی از تنهایی، از دست دادن فرزندان یا ناتوانی در تأمین نیازهای زندگی تصمیم می‌گیرند که به اجبار با همسرشان زیر یک سقف زندگی کنند (صفایی‌راد، وارسته فر، ۱۳۹۰).

در مرحله‌ی طلاق عاطفی، زوج به طور رسمی هنوز زن و شوهر هستند؛ اما از نظر عاطفی احساس انزوا می‌کنند زیرا تفاوت کمی بین زندگی با همسرشان و تنها زندگی کردن احساس می‌کنند. طلاق عاطفی به دلیل تناقضات موجود در گفته‌ها، اعمال و احساسات، یکی از دردناک‌ترین شرایطی است که انسان می‌تواند در آن قرار گیرد و این در حالی است که مهم‌ترین ویژگی در ازدواج که عشق و همراهی است، در رابطه وجود ندارد. افرادی که به این نقطه می‌رسند لزوماً از هم طلاق نمی‌گیرند، اما اگر به شدت به دنبال حل اختلاف و در بیشتر موارد کمک حرفه‌ای نباشند، زندگی زناشویی آنها تمام شده تلقی می‌شود (گاتمن و سیلور، ۱۳۸۷).

عوامل مختلفی در خانواده می‌توانند زمینه‌ساز ایجاد طلاق عاطفی شوند مانند ضعف سواد عاطفی اعضای خانواده. سواد عاطفی به توانایی اطلاق می‌شود که ما به وسیله‌ی آن قادر به اندیشیدن، تشخیص دادن، اداره کردن، دریافت و انتقال عواطف خود به‌طور مناسب و درک و فهم این مطلب هستیم که این عوامل چگونه رفتارها و مناسبات ما را شکل داده و بر اندیشیه‌ها و باورهای ما تأثیر می‌گذارند. عدم تأمین نیازهای عاطفی که به دلیل فقدان محبت یا عدم ابراز محبت بوده است، به‌صورت‌های متنوعی مطرح شده است که همگی منجر به سرد شدن رابطه‌ی زن و مرد و گسست عاطفی شده است. در مواردی فقدان محبت و عاطفه از سوی مرد و علاقه‌ی یک طرفه زن به همسرش از ابتدای زندگی مشترک و تبدیل تدریجی آن به نفرت وجود داشته است. در مواردی عدم ابراز محبت کلامی و رفتاری مورد انتظار زن به دلیل نگرش متفاوت زن و مرد در زمینه‌ی ابراز محبت، بیان شده است (باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۸۹).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد سواد عاطفی می‌تواند مهارت حل تعارض را تقویت کند. شوچوک و همکاران (۲۰۰۰) در مطالعه خود چنین نتیجه‌گیری نمودند که مهارت‌های حل مسئله در افراد به توانایی‌های شناختی-رفتاری آنان بستگی دارد و هر چه واکنش‌های هیجانی افراد نسبت به مسائل و مشکلات صحیح‌تر و پخته‌تر باشد، قدرت حل مسئله آنان به دلیل شناخت و تحلیل بهتر از موقعیت، بیشتر خواهد بود. مکتبی، داوودی و کرد زنگنه (۱۳۸۵)، صلاحیان، صادقی، بهرامی و شریفی (۱۳۸۹)، طالب نیری (۱۳۸۶)، امینی، (۱۳۸۷) و قلیلی‌رنانی (۱۳۸۴) دریافتند زوج‌های دارای تحصیلات بیشتر، در ابعاد هوش هیجانی موفقیت بیشتری را نشان می‌دهند و در نتیجه تعارض زناشویی کمتری را نیز تجربه می‌کنند.

وجود تعارض در زندگی شخصی و اجتماعی بخش اجتناب‌ناپذیر هستی انسان است. تعارض می‌تواند به صورت مثبت به کیفیت روابط و هم به رشد تعارض بی‌انجامد (باباپور، ۱۳۸۵). بدین ترتیب داشتن شیوه‌های حل تعارض منطقی، مانع موثری در برابر تعارض‌های منحل‌کننده خانواده است و حتی می‌تواند به حل بهتر مسائل پیش‌روی زوجین کمک کند. گاتمن (۱۹۹۴، ۱۹۹۸) بیان کرد که سبک روابط زوج‌ها به خصوص هنگامی که به تعارض می‌پردازند، می‌تواند در طول مدت ازدواج به عنوان شاخص قوی برای احساس رضایتمندی زوجین در ازدواج مطرح شود، وی همچنین اذعان کرد که طبقه‌بندی در زیر مجموعه تعارض از آنچه که آنها جر و بحث می‌کنند، ناشی نمی‌شود بلکه از اینکه چطور وقتی جر و بحث می‌کنند واکنش نشان می‌دهند، ناشی می‌شود (استیوبر، ۲۰۰۵).

وجود مشکلات و تعارض حل نشده اغلب باعث می‌شود تقابل منفی روی دهد. بدون شک تعارض، مانعی بر سر راه تداوم رابطه خواهد بود (جلیل باباپور، نظری، رشیدزاده، ۱۳۹۰). گرچه تعارض معمولاً به شکل منفی در نظر گرفته می‌شود اما می‌تواند به طور مثبت هم به کیفیت روابط و هم به رشد شخصی کمک کند و این زمانی است که بتوان با شیوه‌های صحیح و کارآمدی به حل تعارض پرداخت (بولتون، ۱۳۸۱). توانایی برای مدیریت و حل تعارض‌ها به شکل سازنده‌ی می‌تواند یک ارتباط قوی را در رابطه‌ی زوج شکل دهد و زوج‌ها را برای ایجاد یک رابطه‌ی صمیمی و نزدیک کمک کند (ساموهانو، ۲۰۱۳). بنابراین زوجینی که توانایی حل تعارض بالایی دارند سردی رابطه و طلاق عاطفی را کمتر تجربه می‌کنند.

حال با توجه به مبانی نظری و پژوهش‌های مطرح‌شده در پی آن هستیم که دریابیم که آیا سواد عاطفی با میانجیگری حل تعارض می‌تواند طلاق عاطفی را پیش‌بینی کند؟ بر اساس این سوال فرضیه‌های زیر مطرح می‌گردد:

سواد عاطفی طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کند.

سواد عاطفی حل تعارض را پیش‌بینی می‌کند.

حل تعارض طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کند.

سواد عاطفی با میانجیگری حل تعارض طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کند.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل زنان و مردان متأهل ساکن منطقه پنج، شش و هفت مشهد بودند که در سال ۹۴-۱۳۹۳ در شهر مشهد زندگی می‌کردند. نمونه‌ی مورد مطالعه ۱۷۸ نفر بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. لازم به ذکر است که تعداد ۲۰۰ پرسشنامه بین افراد توزیع گردید که ۲۲ عدد پرسشنامه به دلیل پاسخگویی ناقص حذف گردید و در نهایت ۱۷۸ پرسشنامه وارد تحلیل شد. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش مقیاس کارکردهای روان‌شناختی خانواده ایرانی (IFPFS) و پرسشنامه‌ی طلاق عاطفی گاتمن می‌باشد که شرح هر یک از آنها در زیر آمده است.

مقیاس کارکردهای روان‌شناختی خانواده ایرانی: این مقیاس توسط کیمیایی (۱۳۸۸)؛ به نقل از خادمیان، (۱۳۹۰) و برای نشان دادن کارکردهای روان‌شناختی خانواده ایرانی طراحی و ساخته شده است. این آزمون دارای ۱۲۴ سؤال است و دوازده بعد از کارکردهای روان‌شناختی خانواده ایرانی را می‌سنجد. ابعاد دوازده‌گانه‌ی این آزمون عبارت است از: ارتباط، پیشرفت، سواد عاطفی (عشق و محبت)، معنویت و مذهب، اوقات فراقت (تفریح و سرگرمی)، اتحاد، ساختار و سازمان، احساس امنیت، حل تعارض، رفت‌وآمد و صلح‌رحم، استقلال و کنترل. در پژوهش حاضر فقط از زیر مقیاس‌های سواد عاطفی و حل تعارض استفاده شده است. این مقیاس را می‌توان بر روی نوجوانان، جوانان، زوجین یا خانواده‌ها، در طی مراحل مختلف چرخه زندگی خانواده، اجرا نمود. عبارت‌ها به‌گونه‌ای تدوین شده‌اند که نوجوانان از حدود ۱۳ سال به بعد که قادر به درک موضوعات خانوادگی می‌باشند، می‌توانند به این پرسشنامه پاسخ دهند.

شیوه‌ی نمره‌گذاری در این پرسشنامه بدین صورت است که آزمودنی‌ها می‌بایست پاسخ‌های خود را بر مبنای یک مقیاس درجه‌بندی‌شده ۷=کاملاً موافق، ۶=موافق، ۵=تاحدودی موافق، ۴=بی‌طرف، ۳=تاحدودی مخالف، ۲=مخالف، ۱=کاملاً مخالف در سوالات مستقیم، مشخص نمایند. لازم به ذکر است که در بعد حل تعارض سوالات ۱، ۲، ۳، ۴ و ۷ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند و در بعد سواد عاطفی نیز هیچ سوالی نمره‌گذاری معکوس ندارد. با جمع عبارت‌های مربوط به هر بعد از کارکرد خانواده، نمره‌ی عملکرد مربوط به همان بعد به دست می‌آید. که این نمره در بعد سواد عاطفی با ۱۰ سؤال از حداقل ۱۰ تا حداکثر ۷۰ هست. و در بعد حل تعارض به دلیل وجود دو سؤال بیشتر در مقایسه با ابعاد دیگر، حداقل نمره ۱۲ و حداکثر نمره ۸۴ است. در این آزمون نمرات بالاتر از میانگین در کل و در هر خرده مقیاس به معنای فقدان وجود علائم و نشانه اختلال در کارکرد خانواده و نمره‌های پایین‌تر از میانگین نشانه وجود اختلال در کارکرد خانواده می‌باشد.

به منظور بررسی روایی این آزمون پس از مطالعات نظری لازم تعداد ۵۷۰ سؤال در ۱۲ حوزه طراحی شد، آنگاه به کمک ۵ نفر از اساتید دانشکده‌ی علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد تعداد ۱۲۴ سؤال که روایی صوری بیشتری داشتند انتخاب شد. آلفای کرونباخ کلی پرسشنامه مقیاس کارکردهای روانشناختی خانواده در ارتباط با همه‌ی سوالات ۰/۹۱٪ به دست آمد که بیانگر همبستگی بالا بین سوالات پرسشنامه می‌باشد (کیمیایی، خادیمان، فرهادی و قیمتی، ۱۳۹۱).

پرسشنامه طلاق عاطفی و تنهایی گاتمن: این مقیاس توسط جان گاتمن (۱۹۹۵) در کتاب موفقیت یا شکست در ازدواج تحت عنوان تنهایی آورده شده است. گاتمن (۱۳۸۷) در توضیح این مقیاس بیان می‌کند که زمانی که زوج‌ها هنوز رسماً زن و شوهر هستند ولی آنچنان احساس انزوا می‌کنند که تفاوت چندانی میان زن و شوهر بودن آنها و تنها زندگی کردن وجود ندارد، این حالت را تجربه می‌کنند. این پرسشنامه شامل آیتم‌هایی است که طلاق عاطفی و همچنین حالت عاطفی تنهایی را هم می‌سنجد. این پرسشنامه شامل ۲۰ سؤال به صورت موافقم و مخالفم است. پاسخ‌های بلی نمره ۱ و به پاسخ‌های خیر نمره ۰ تعلق می‌گیرد. بیش از ۷ بله به معنی این است که فرد نامزد خوبی برای طلاق عاطفی است. بر اساس پژوهش بیات مختاری (۱۳۹۲) پس از ترجمه مجدد این مقیاس، از چهارتن از متخصصان در این زمینه، نظرخواهی و روایی صوری آن حاصل شده است. آلفای کرونباخ تست برای شوهر ۰/۹۱ و برای زن هم ۰/۹۱ ارائه شده است (گاتمن، ۱۹۹۹). صلابانی و اصغری (۱۳۹۳) آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۷۴ گزارش کردند. لازم به ذکر است که داده‌ها با استفاده از روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون به شیوه‌ی همزمان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

بررسی جمعیت شناختی:

دامنه سنی شرکت‌کنندگان بین ۱۵ تا ۶۵ سال در نوسان بود. بیشترین افراد نمونه (۷۴ نفر) بین ۲۶ تا ۳۵ سال سن داشتند. و کمترین افراد نمونه (۷ نفر) بین ۵۶ تا ۶۵ سال سن داشتند. جنسیت افراد نمونه به ترتیب ۱۰۷ نفر (۶۰/۱ درصد) زن و ۷۱ نفر (۳۹/۹ درصد) مرد گزارش شد. سطح تحصیلات افراد نمونه به ترتیب ۲۳ درصد زیر دیپلم، ۴۱ درصد دیپلم، ۸/۴ درصد فوق‌دیپلم، ۲۵/۳ درصد لیسانس و ۲/۲ درصد فوق‌لیسانس بودند.

بررسی توصیفی و استنباطی

در جدول شماره ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای سواد عاطفی، حل تعارض و طلاق عاطفی آمده است. نتایج جدول ۲، نشان می‌دهد که بین سواد عاطفی و طلاق عاطفی رابطه‌ی منفی معناداری وجود دارد ($r=-0/71$). بین سواد عاطفی و حل تعارض رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد ($r=0/74$). و بین حل تعارض و طلاق عاطفی رابطه‌ی منفی و معناداری وجود دارد ($r=-0/73$).

به منزله‌ی انجام اولین گام با استفاده از روش آماری تحلیل رگرسیون همزمان، متغیرهای سواد عاطفی و حل تعارض به عنوان متغیرهای پیش‌بین و طلاق عاطفی به عنوان متغیر ملاک در معادله‌ی رگرسیون وارد شدند. تحلیل مشابهی برای انجام دوم گام انجام شد و متغیر سواد عاطفی به عنوان متغیر پیش‌بین و حل تعارض به عنوان متغیر ملاک در تحلیل دیگری وارد شدند. نتایج بیانگر این است که روابط بین متغیرها خطی است ($F=130/60$ ، $p<0/001$) خلاصه این دو تحلیل در جدول ۳ آورده شده است.

همچنان که از جدول ۳ برمی‌آید سواد عاطفی ($P<0/001$ ، $r=0/36$) و حل تعارض ($P<0/001$)، پیش‌بینی‌کننده‌های معناداری برای طلاق عاطفی هستند. با توجه به تحلیل انجام‌شده و با مقایسه ضرایب بتا معلوم می‌شود که در این مدل می‌توان برای متغیر حل تعارض نقش واسطه‌ای در نظر گرفت، زیرا این متغیر نسبت به متغیر سواد عاطفی دارای ضریب بتای بالاتری است.

در گام دوم متغیر حل تعارض به دلیل داشتن بتای بالاتر به عنوان متغیر ملاک و متغیر سواد عاطفی به عنوان متغیر پیش‌بین وارد تحلیل شدند. نتایج نشان داد که سواد عاطفی ($P<0/001$)، $\beta=0/74$ پیش‌بینی‌کننده‌ی معناداری برای حل تعارض است (نگاه کنید به شکل ۱).

جدول شماره ۱: میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

انحراف معیار	میانگین	حجم نمونه	
۱۲/۹۸	۳۶/۷۹	۱۷۸	سواد عاطفی
۱۳/۵۷	۳۳/۴۴	۱۷۸	حل تعارض
۵/۱۸	۷/۷۷	۱۷۸	طلاق عاطفی

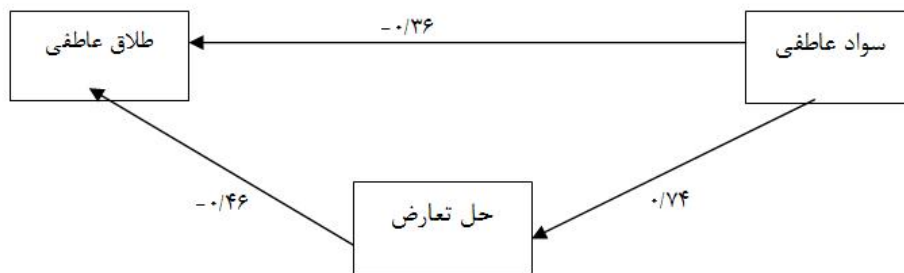
جدول شماره ۲- ضریب همبستگی میان سواد عاطفی، حل تعارض و طلاق عاطفی

سواد عاطفی	حل تعارض	طلاق عاطفی	
۱	۰/۷۴	-۰/۷۱	سواد عاطفی
	۱	-۰/۷۳	حل تعارض
		۱	طلاق عاطفی

$P < 0/01$ **

جدول شماره-۳. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون سواد عاطفی و حل تعارض با طلاق عاطفی

P	T	R2	R	P	F	متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین	گام‌ها
۰/۰۰۱	-۴/۹۹	-۰/۳۶	۰/۵۹	۰/۰۰۱	۱۳۰/۶۰	طلاق عاطفی	سواد عاطفی	گام اول
۰/۰۰۱	-۶/۴۴	-۰/۴۶				عاطفی	حل تعارض	
۰/۰۰۱	۱۴/۹۹	۰/۷۴	۰/۵۶	۰/۰۰۱	۲۲۴/۹۸	حل تعارض	سواد عاطفی	گام دوم



شکل ۱: نگاره‌ی ارتباط متغیرهای پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی سواد عاطفی با میانجیگری حل تعارض در طلاق عاطفی انجام شد. الگوی پیشنهادی پژوهش بر این فرض استوار بود که سواد عاطفی با واسطه‌گری حل تعارض می‌تواند طلاق عاطفی را پیش‌بینی کند. پس از جمع‌آوری اطلاعات لازم، تحلیل‌های آماری مقتضی انجام شد. نتایج کمی این تحلیل‌ها در قسمت پیش ارائه شدند. در ادامه، یافته‌های پژوهش بر اساس مراحل طی شده در انجام تحلیل‌های آماری، مورد بحث قرار گرفته‌اند.

در رابطه‌ی بین سواد عاطفی و طلاق عاطفی نشان داده شد که بر اساس سواد عاطفی می‌توان طلاق عاطفی را پیش‌بینی کرد. بنابراین فرضیه‌ی اول پژوهش حاضر تایید شده است. عنصر سواد عاطفی عامل مهمی در ایجاد یا عدم ایجاد طلاق عاطفی است زیرا سواد عاطفی می‌تواند فاصله‌ی عاطفی بین زوجین را کم کند. در پژوهش حاضر بین سواد عاطفی و طلاق عاطفی رابطه‌ی منفی معنادار وجود دارد و داشتن سواد عاطفی می‌تواند طلاق عاطفی را کاهش دهد. در این مورد مطالعه لوسیان (۲۰۰۶) نشان می‌دهد که آگاهی از هیجان‌ها و چگونگی اثرگذاری این آگاهی در روابط بین فردی در زندگی زناشویی مؤثر است. همچنین مطالعه صادقی (۱۳۸۰) نشان می‌دهد که توانایی درک و پذیرش افکار، احساس‌ها و عواطف یکدیگر در زندگی زناشویی با احساس رضایتمندی بیشتری همراه است. از این رو مردان و زنانی که سطح بالایی از رضایتمندی و صمیمیت را در رابطه با ازدواج خود گزارش می‌کنند در پیش‌بینی احساس‌ها و باورهای شریک زندگی خود بسیار دقیق هستند. همانطور که در مقدمه اشاره شد داشتن سواد عاطفی به افراد کمک می‌کند که در اندیشیدن، تشخیص دادن، اداره کردن و دریافت و انتقال عواطف خود توانمند شوند و به وسیله‌ی این مهارت بتوانند صمیمیت بین خود را افزایش داده و از بروز رابطه‌ی سرد جلوگیری نمایند. بنابراین سواد عاطفی و داشتن

توانایی در تشخیص و انتقال عواطف در زوجین سبب می‌شود که آنها بتوانند ارتباط مناسبی را با یکدیگر برقرار نمایند و جدایی عاطفی در بین آنان کاهش یابد.

همچنین معلوم شد که بر اساس سواد عاطفی می‌توان حل تعارض را پیش‌بینی کرد؛ بنابراین فرضیه دوم پژوهش حاضر تایید شده است. سواد عاطفی عاملی مهم در نحوه‌ی حل تعارض زوجین است. مکتبی، داوودی و کرد زنگنه (۱۳۸۵) صلاحیان، صادقی، بهرامی و شریفی (۱۳۸۹)، طالب نیری (۱۳۸۶)، امینی (۱۳۸۷) و قلیلی‌رنانی (۱۳۸۴) دریافتند زوج‌های دارای تحصیلات بیشتر، در ابعاد هوش هیجانی موفقیت بیشتری را نشان می‌دهند و در نتیجه تعارض زناشویی کمتری را نیز تجربه می‌کنند. سواد عاطفی علاوه بر اینکه به افراد در مدیریت عواطف کمک می‌کند، چگونگی رفتارها و مناسبات آنها را نیز شکل می‌دهد. بنابراین افراد با تقویت سواد عاطفی خود می‌توانند رفتارها و مناسبات بهتری داشته باشند و تعارضات خود را مدیریت نمایند.

یافته‌ی دیگر پژوهش حاضر بیانگر این است که حل تعارض طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کند، بنابراین فرضیه‌ی سوم پژوهش حاضر تایید شده است. نتایج بیانگر رابطه منفی حل تعارض و طلاق عاطفی است. به‌طوری‌که با افزایش مهارت حل تعارض در زوجین طلاق عاطفی کاهش پیدا می‌کند. بر اساس یافته‌های پژوهش اعتمادی و همکاران (۱۳۹۳) سبک‌های حل تعارض با صمیمیت زناشویی همبستگی معنادار دارند. همچنین یافته‌های پژوهش آزادی‌فرد (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که سبک‌های حل تعارض با طلاق عاطفی رابطه دارند به‌طوری‌که از میان سبک‌های حل تعارض، سبک یکپارچه و مصالحه رابطه‌ی منفی معناداری با طلاق عاطفی داشتند و سبک مسلط رابطه‌ی مثبت معناداری با طلاق عاطفی داشت.

جمع بندی نتایج در جدول ۳ نشان می‌دهد سواد عاطفی با میانجیگری حل تعارض طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کند؛ بنابراین فرضیه‌ی چهارم پژوهش حاضر تایید شده است. همانطور که می‌دانیم ازدواج منبع بعضی از عمیق‌ترین احساسات و هیجانات مانند عشق، نفرت، عصبانیت، ترس، ناراحتی و لذت است، این که چقدر زن و شوهر بتوانند این هیجانات قوی را بفهمند، در مورد آنها گفتگو و مدیریت کنند نقش قاطعی در رضایت زناشویی آنها بازی می‌کند، زیرا افرادی که توانایی کنترل احساسات و هیجانات خود را دارند و بر نحوه ابراز احساسات و هیجانات خود نسبت به دیگران خصوصا همسرشان تسلط دارند، مانع بروز بسیاری از برخوردها و سوء تفاهمات در روابط زناشویی خود می‌شوند. در حقیقت ابراز عواطف نقش عمده‌ای بر شادی‌ها و تداوم زندگی زناشویی داشته و

زوج‌های خوشبخت به طور مداوم واکنش‌هایی چون عشق و محبت را نسبت به هم ابراز کرده و در تعامل‌های خود با یکدیگر از شوخی‌های مناسب استفاده می‌کنند. افرادی که از هوش هیجانی بالایی برخوردارند، به احتمال زیاد می‌توانند به گونه‌ای موثر با صحبت‌های دقیق و ظریف عاطفی، مشکلات و اختلافات را حل کنند (دمیری، حیدریان، احمدی و برهانی، ۱۳۹۳).

با توجه به مطالب مطرح شده می‌توان اینگونه بیان نمود، زمانی که اعضای خانواده یکدیگر را دوست ندارند، نیازهای عاطفی یکدیگر را به خوبی برآورده کنند، روحیه و احساسات دیگر اعضای خانواده برایشان مهم باشد، یک گوش شنوا برای شنیدن درد و دل‌ها و دغدغه‌های روزمره یکدیگر داشته باشند و با لحن صمیمانه‌ای با یکدیگر صحبت کنند و به طور کلی عشق و محبت (سواد عاطفی) در بین آنان موج زند، توانایی بیشتری برای حل تعارضات خانواده پیدا می‌کنند و می‌توانند هر یک سهم خود را در ایجاد مشکلات خانواده بپذیرند و به نحو احسن مشکلات و تعارضات را حل و فصل نموده و از ایجاد فاصله بین خود جلوگیری نمایند و در نتیجه ظهور پدیده‌ی طلاق عاطفی را به حداقل برسانند.

از مجموع نتایج به دست آمده می‌توان چنین استنباط کرد که از مهارت سواد عاطفی و توانایی حل تعارض می‌توان برای پیش‌بینی طلاق عاطفی استفاده کرد، بنابراین از اهمیت ویژه‌ای در ارائه مشاوره برای افزایش رضایتمندی زناشویی و کاهش تعارضات و مشکلات زناشویی برخوردارند. نتایج این پژوهش نشان داد که سواد عاطفی نیز نقش معنی‌داری در پیش‌بینی طلاق عاطفی دارد، بنابراین پیشنهاد می‌شود مشاوران خانواده و حتی زوجین در تلاش برای افزایش رضایت زناشویی باید به نقش هیجانات توجه ویژه داشته باشند و برنامه‌ریزی‌ها و آموزش‌های لازم در زمینه شناخت و کنترل هیجانات را انجام دهند.

منابع

- آزادی فرد، ص. (۱۳۸۶). *رابطه‌ی دانش و نگرش جنسی، باورهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض با طلاق عاطفی در پرستاران شهر خرم‌آباد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه رازی.
- استیل، ال. کید، وی. (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی مهارتی خانواده*. ترجمه: سیدان، ف؛ کمالی، ا. انتشارات دانشگاه الزهرا (س). تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۱.
- اعزازی، ش. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان

- اعتمادی، ع. جابری، س. جزایری، ر و احمدی، س.ا. (۱۳۹۳). بررسی رابطه‌ی مهارت‌های ارتباطی و سبک‌های حل تعارض با صمیمیت زناشویی در زنان شهر اصفهان. *فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی زن و جامعه*، ۵(۱)، ۶۳-۷۴
- امینی، ف. (۱۳۸۷). بررسی رابطه هوش هیجانی و خشونت‌های زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی رشته مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان
- باباپور خیرالدین، جلیل. (۱۳۸۵). بررسی شیوه‌های حل تعارض ارتباطی و سلامت روانشناختی دانشجویان. *فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز، سال ۱، شماره ۴، ۴۶-۲۷*.
- باستانی، س، گلزاری، م. روشنی، ش. (۱۳۸۹). طلاق عاطفی، علل و شرایط میانجی. *مجله‌ی بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱(۳)، ۲۴۵-۲۴۱.
- بخارایی، ا. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش در ایران (طلاق عاطفی)*. تهران: پژوهاک جامعه. بولتون، ر. (۱۳۸۱). *روانشناسی روابط انسانی*. ترجمه سهرابی، ر. تهران: انتشارات رشد
- بیات مختاری، ث. (۱۳۹۲). *اثربخشی واقعیت درمانی گروهی بر کاهش طلاق عاطفی و پیامدهای روانشناختی آن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- جلیل باباپور، خ. نظری، م. رشیدزاده، ل (۱۳۹۰). اثربخشی درمان شناختی-رفتاری بر رضایت صمیمیت زناشویی زوجین جانباز شیمیایی، *فصلنامه‌ی پژوهش‌های نوین روانشناختی*، ۶(۲۴)، ۸-۲۵.
- خادمیان، ح. (۱۳۹۰). *کارکردهای روان‌شناختی خانواده و همبودی آن با کیفیت زندگی، خودکارآمدی و راهبردهای مقابله‌ای نوجوانان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه فردوسی مشهد
- خدایاری فرد، م. شهایی، ر، اکبری زردخانه، س. (۱۳۸۶). رابطه نگرش مذهبی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل. *مجله خانواده پژوهشی*، ۱۰، ۶۲۰-۶۱۱
- دمیری، ح. حیدریان، م. احمدی، و. برهانی، ل. رابطه‌ی سبک‌های شخصی و هوش هیجانی با رضایت مندی زناشویی. *مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام*، ۲۲(۵)، ۴۴-۳۵.
- صادقی، س. (۱۳۸۰). *بررسی عوامل شخصیتی مؤثر در سازگاری زناشویی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، انستیتو روان‌پزشکی تهران.
- صلاحیان، ا. صادقی، م. بهرامی، ف. شریفی، م. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و بخشودگی با تعارضات زناشویی. *مطالعات روان‌شناختی*، ۶(۲)، ۱۷-۱.
- صلاحیان، ا. صادقی، م. بهرامی، ف. شریفی، م. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و بخشودگی با تعارضات زناشویی. *مطالعات روان‌شناختی*، ۶(۲)، ۱۷-۱.
- صلایانی، ف، اصغری ابراهیم‌آباد، م. ج. (۱۳۹۳). *مقایسه طلاق عاطفی در افراد درون‌گرا و برون‌گرا، در: "سومین کنفرانس مددکاری اجتماعی ایران"، گناباد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد*

- صفائی راد، س. و ارسته فر، ا. (۱۳۹۰). رابطه بین تعارض‌های زناشویی با طلاق عاطفی زنان مراجعه‌کننده به دادگاه‌های شرق تهران، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، ۵(۲۰)، ۸۵-۱۰۶
- طالب نیری، ف. (۱۳۸۶). *رابطه هوش هیجانی و تعارضات زناشویی با بهزیستی شخصی در کارمندان زن و مرد دفاتر اسناد رسمی کرج*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه پیام نور تهران مرکزی
- قلیلی رنای، ز. (۱۳۸۴). *بررسی تأثیر شیوه‌های گفتگوی مؤثر و حل مسئله بر تعارضات زناشویی زوج‌های شهر اصفهان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان
- کیمیایی، س. ع، خادمیان، ح. فرهادی، ح. قیمتی، عبدالرحیم (۱۳۹۱). ساخت و مطالعه مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی و اعتباریابی مقیاس کارکردهای روانشناختی خانواده ایرانی. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی*. ۷(۲۷)، ۱۵۳-۱۹۰
- گاتمن، ج؛ سیلور، ن. (۱۳۸۷). *موفقیت و شکست در ازدواج*. ترجمه‌ی ارمغان جزایری، تهران، نسل نو اندیش
- گلدنبرگ، ای، گلدنبرگ، اچ. (۱۳۸۵). *خانواده‌درمانی*. ترجمه: حسین شاهی براوتی، ح؛ نقشبندی، س. تهران، نشر روان
- مکتبی، غ؛ داوودی، ا. کرد زنگنه، ک. (۱۳۸۵). *بررسی رابطه ساده و چندگانه بین هوش هیجانی و تعارضات زناشویی با رضایت زناشویی*. چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، دانشگاه شهید بهشتی
- Amato, P. R. (2000). The consequences of divorce for adults and children. *Journal of marriage and family*, 62(4), 1269-1287.
- Asoodeh, M.H., Daneshpour, M., khalili, S., Gholamali Lavasan, M., Abuali Shabani, M., Dadras, I. (2011). Iranian successful family functioning communication, *Social and Behavioral Science*, 30(6), 367-371.
- Dunham, S. H. (2008). *Emotional skillfulness in African American marriage. Intimate safety as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction*. Doctoral Dissertation. University of Akron.
- Lyusin, D. B. (2006). Emotional intelligence as a mixed construct. *Journal of Russian and East European Psychology*, 44 (6), 54-68
- Musai, M., Tavasoli, G., & Mehrara, M. (2011). The relationship between divorce and economic-social variables in Iran. *British Journal of Arts and Social Sciences*, 1(2), 89-93.
- Shewchuk, R. M., Johnson, M. O., & Elliott, T. R. (2000). Self-appraised social problem solving abilities, emotional reactions and actual problem solving performance. *Behaviour Research and Therapy*, 38(7), 727-740.
- Somohano, V. C. (2013). *Mindfulness, attachment style and conflict resolution behaviors in romantic relationships* (Doctoral dissertation, Humboldt State University).
- Steuber, K. R. (2005). *Adult attachment, conflict style and relationship satisfaction: comprehensive model*. Unpublished master 's thesis, Del aware university

- Gottman, J. M. (1999). *The marriage clinic: A scientifically-based marital therapy*. WW Norton & Company.
- Weisskrich, R., & Delevi, R. (2013). Attachment style and conflict resolution skills technology use in relationship dissolution. *Computers in Human Behavior*; 29; 2530-2534.